

هانس گئورگ گادامر

من کیستم و تو کیستی؟

شرحی بر مجموعه شعر «بلور تنفس» پاول سلان

و دو مقاله دیگر

ترجمه مازیار چابک



انتشارات مولی

سرشناسه: گادامر، هانس - گئورگ، ۱۹۰۰ - ۲۰۰۲ م.

Gadamer, Hans - Georg

عنوان و نام پدیدآور: من که هستم و تو که هستی؟ شرحی بر مجموعه شعر بلور تنفس پاول سلان-ا/

هانس گئورگ گادامر؛ ترجمه مازیار چاپک.

مشخصات نشر: تهران: مولی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: بهشت و دو، ۱۷۰ ص ۱۴/۵۱ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-600-339-133-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Wer bin ich und wer bist Du?

Ein Kommentar zu Paul Celans Gedichtfolge Atemkristall, 1973

موضوع: سلان، پل، ۱۹۲۰-۱۹۷۰ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Celan, Paul, 1920-1970 -- Criticism and interpretation

موضوع: شعر آلمانی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد

موضوع: German poetry -- 20th century -- History and criticism

شناسه افزوده: چاپک، مازیار، ۱۳۷۲ -- مترجم

رده بندی کنگره: PT۲۶۲۶

رده بندی دیویی: ۸۳۱/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۳۳۳۶۴

Wer bin Ich und wer bist Du

Hans-Georg Gadamer



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب-چهارراه ابوریحان-شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳-۶۶۴۰۰۷۹-۶۶۴۰۰۰

سایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

من کیستم و تو کیستی؟ • شرحی بر مجموعه شعر «بلور تنفس» پاول سلان و دو مقاله دیگر

هانس گئورگ گادامر • ترجمه: مازیار چاپک

چاپ اول: ۱۴۰۰-۱۴۴۲ • ۵۲۰ نسخه • ۳۲۶/۱
۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۱۳۳-۸ ISBN: 978-600-339-133-8

طرح جلد: علی اسکندری • حروفچینی: دریچه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: کامیاب • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



فهرست مطالب

نه	مقدمه مترجم
۳	پیشگفتار
۵	پیشگفتار چاپ تجدیدنظر شده
۱۱	تو می توانی
۱۶	زدوده از رویاهای نادیده
۲۲	درون شیارهای
۲۸	در رودخانه های
۳۴	پیش از واپسین چهره ات
۳۸	از میان شتاب های اندوه
۴۲	شماره ها، در پیوند
۴۶	راه هایی در سایه های - کلزار
۴۸	خاکستری روشن
۵۱	با دیرک های آوازخوان به سمت زمین
۵۴	انبرک شقیقه
۵۶	هنگام تگرگ
۵۹	ایستادن
۶۲	رؤیاهای شاخ زننده تو از بیداری
۶۵	با تعقیب شدگان
۶۹	نخ های خورشید
۷۱	در ارايه ماران
۷۴	نقاط خشدار
۸۰	پرتاب کلمه
۸۵	من تو را می شناسم
۸۷	پاک شده

۹۱	پیگفتار
۱۱۷	پیگفتار چاپ تجدید نظر شده
۱۱۷	۱. خواننده چه چیز را باید بداند؟
۱۲۲	۲. خوانش نسخه‌ها
۱۳۰	۳. روش هرمنوتیکی؟
۱۳۷	معنا و حجاب آن نزد پاول سلان
۱۵۱	دسترسی پدیدارشناختی و معناشناختی به سلان
۱۶۳	فهرست منابع مترجم
۱۶۷	فهرست اعلام

مقدمه مترجم

در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز
هر کسی بر حسب فهم گمانی دارد
حافظ

۱

کتاب پیشارو حاصل تلاشی و تجربه فهمانی هانس گئورگ گادامر^۱، نظریه پرداز هرمنوتیک فلسفی، - به عنوان یک خواننده در این کتاب - بر دفتر شعر «بلور تنفس»^۲ پاول سلان^۳ است که در نهایت به نام «چرخش تنفس»^۴ در سال ۱۹۶۷ منتشر می شود، و از آثار متأخر و ارزشمند او در ادبیات آلمان پس از آشویتش به شمار می رود.

کوتاه و انتزاعی شدن اشعار، نمود اصطلاحات علمی، و افزایش غلظت ابهام از طریق وارونه سازی واقعیت های واقعی و شکست جسم وازگان از جمله دلایلی هستند که فهم شعر سلان را نسبت به دفاتر اولیه اش مانند «خشخاش و حافظه»

1. Hans-Georg Gadamer (1900-2002)

2. Atemkristall

3. Paul Celan (1920-1970)

4. Atemwende

دشوارتر و مرموزتر می‌کند. اصطلاحات علمی دفتر شعر «چرخش تنفس» را می‌توان در رشته‌های معدن، زمین‌شناسی، سنگ‌شناسی، بلورشناسی، یخ‌شناسی، دیرینه‌شناسی، جغرافیا، و حتی پزشکی جستجو کرد.^۱ اما یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند علت رجوع سلان به شناسایی علم رسوب، خاکستر، گرد و غبار و شن و ماسه باشد، پیشینه تاریخی است، یعنی این علوم بازتاب‌دهنده همان چیزهایی هستند که از قربانیان شوآه (= هولوکاست) باقی مانده‌اند.^۲ اما شعر سلان هیچگاه محدود شده به واژگان علمی نیست، زیرا در آنجا دگردیسی معنا اتفاق می‌افتد. او معنای پیشین کلمه را برمی‌دارد و با نسبت دادن روابط و کنش‌های جدید به آن، لباسی متعلق به خود را به تن کلمه می‌کند. به عبارتی دیگر، اصطلاحات علمی بکاررفته در اشعار به عنوان استعاره در متن نیستند، بلکه ظاهر طبیعی خود را دارند. بنابراین، واژگانی مانند *انهرک شقیقه*، *نمودار رز*، و *نقاط خشد* استعاره‌های زیبایی نیستند که توسط ذهن خلاق شاعر ساخته شده باشند، بلکه به ترتیب یک ابزار پزشکی مربوط به زایمان، نموداری برای نشان دادن شکاف‌های زمین، و نقاط خشداری است که بر اثر تکان زمین و گسل روی سنگ‌ها به وجود می‌آیند.

آنچه در این دفتر اهمیت دارد، برخورد زیباشناسانه سلان با کلمه است. به همین دلیل کلمات شعری سلان استعاری نیستند. او به صراحت مطرح می‌کند که شعر حقیقی از اساس ضد استعاری است.^۳ این نظر درست در نقطه مقابل سنت ارسطویی در باب شعر است. ارسطو به روشنی مطرح می‌کند که در شعر، بزرگ‌ترین صفات و خصوصیات، استفاده از استعاره است.^۴ و فهم ما از شعر

1. Groves, J. (2011). 'The stone in the air': Paul Celan's other terrain. *Environment and Planning D: Society and Space*, 29(3), 469-484.

2. Tobias, R. (2006). *The Discourse of Nature in the Poetry of Paul Celan: The Unnatural World*. JHU Press. p. 15.

3. Räsänen, P. (2007). *Counter-figures: An Essay on Anti-metaphoric Resistance. Paul Celan's Poetry and Poetics at the Limits of Figurality*. Helsinki University Printing House.

۴. استیون هالیول (۱۳۸۸). پژوهشی در فن شعر ارسطو. ترجمه مهدی نصراله‌زاده، انتشارات مینوی خرد.

ناشی از درک استعاره شعر است. زیرا در سنت ارسطویی استعاره به انتقال واژه‌ای به جای واژه دیگر تلقی می‌شود.^۱ اما سلان با رد استعاره، بر عنصر ابهام در شعر تأکید می‌کند. درست است که هیچ کلمه‌ای در شعر از استعاره مصون نیست و ابهام فرصتی است برای تولد استعاره، اما به اعتقاد سلان، ابهام باید موجب دقت در شعر شود. به همین دلیل، سلان «ابهام بدون ماسک» را مطرح می‌کند.^۲ یعنی با فاصله گرفتن از ماسک استعاره، به ذات کلمه نزدیک‌تر شدن و فهمیدن آن تنها از راه دقیق خواندن خود متن. پس برای فهم ابهام شعر سلان باید شعر را به دقت بخوانیم: «بخوانید، بارها و بارها بخوانید، سپس فهم به دست خواهد آمد».

مجموعه شعر «چرخش تنفس» تحول بزرگی از سبک دستگاه شعری سلان است. آنچه امروز در شعر سلان بی‌نظیر است، اثر یا رد کلمات اوست. معناهای پیشین به دورادور تبعید می‌شوند، و کلمات شعر تنها بازمانده‌ای از آن است که نمی‌تواند هر تفسیر را هضم کند.^۳ از همین‌روست که مهم‌ترین خاصیت شعر غنایی در شکوفایی زبان نهفته است.^۴ کار سلان یک فرازبان (Metasprache) است، یعنی زبانی که برای فهم کلمات آن به بیرون ارجاع داده نمی‌شود. به‌ویژه در دفاتر پس از شعر «فوک مرگ»، مخاطب محکوم می‌شود به خواندن و شنیدن کلمات و تعلیق‌های سلان در یک فضای انتزاعی در درون شعر، زیرا شعر او خودبنیاد و خودبسنده است. از این‌رو، برای فهم مفاهیم سلان با خود زبان سروکار داریم نه با چیزها.^۵ در شعر او کلمات نامی ندارند، بلکه تنها ردی از آنان در شعر

۱. بورشه (و دیگران) (۱۳۸۹). زبان‌شناسی و ادبیات (تاریخچه چند اصطلاح). [ه. وایریش: استعاره].

ترجمه کورش صفوی، چاپ سوم، انتشارات هرمس، ص ۲۹۲.

2. Huppert, H. (1988). «Spirituelle». Ein Gespräch mit Paul Celan, p. 321.

3. Franke, W. (2014). Poetics of Silence in the Post-Holocaust Poetry of Paul Celan. Journal of Literature and Trauma Studies, 2(1), 137-158.

۴. کریس لان (۱۳۹۵). ویتگنشتاین و گادامر به سوی فلسفه پساتحلیلی. ترجمه مرتضی عابدینی فرد، چاپ دوم.

بنگاه نشر و ترجمه کتاب پارسه، ص ۲۳۹.

5. Bleiker, R. (1999). 'Give it the Shade': Paul Celan and the Politics of Apolitical Poetry. Political Studies, 47(4), 661-676.

وجود دارد. خواننده با پیگیری کنش‌ها و رفتارهایی که به کلمه نسبت داده می‌شود، می‌تواند معنای حقیقی آن کلمه را دریابد.

سلان در سخنرانی نصف‌النهار بیان می‌کند که: «ادبیات: می‌تواند به معنای چرخش تنفس باشد»^۱. در بوطیقای سلان، نفس کشیدن ماده‌ای از زبان است که تن شعر را جان می‌بخشد^۲. شعر خواننده‌اش را به عمق می‌کشد (در لحظه‌ای که دم می‌گیرد)، و خواننده در درون شعر شروع به نفس کشیدن می‌کند. به عبارتی دیگر، کار شعر دعوت به تنفس است. چرخش تنفس یک رویداد تکرارناپذیر است، از نظر جسمانی و شعری. حتی از نظر عرفان یهودی نیز — که یکی از زمینه‌های مهم فهم سلان است — به عقیده ابراهیم ابوالعفیاء، نفس کشیدن راه اتصال با امر مقدس است^۳. نفس کشیدن، ارتباط شدید بدنی با محیط پیرامون است که می‌تواند به عنوان مجازی از کل زندگی تعبیر شود. به باور سلان، همان‌طور که چرخش و بازگشت تنفس برای ادامه حیات ضروری است، برای شعر نیز حیاتی است، زیرا چرخش تنفس گشایش سکوت است که خودش را به سوی شعر و خواننده می‌گشاید، به سوی من و تو^۴. او در ادامه می‌گوید: «شعر - شعر امروز - نشان می‌دهد که تردیدناپذیر و یک تمایل قوی به سمت سکوت است»^۵. سکوت در شعر سلان در سطرهای نانوشته است. اما سطرهای نانوشته سلان قرار نیست به استراحت منتهی شوند. بخشی از معنای کلمات او اتفاقاً در همین سکوت به‌دست می‌آید، در همین وقفه‌ها که برای نفس کشیدن در شعر به خواننده داده می‌شود. از همین‌رو موریس بلانشو، سکوت شعر سلان را «یک خلاء

1. Celan, P. (1968). *Ausgewählte Gedichte: Nachwort von Beda Allemann*: Suhrkamp. p. 141.

2. Salminen, A. (2014). On Breathroutes: Paul Celan's Poetics of Breathing. *Partial Answers: Journal of Literature and the History of Ideas*, 12(1), 107-126.

3. Salminen, A. (2014). *Ibid.*

4. Hirvonen, A. (2013). Sounds of Void: Paul Celan's and John Zorn's Hopeful Horizons. *Theory & Event*, 16(4), 1-17.

5. Derrida, J. (2005). *Sovereignities in question: The poetics of Paul Celan*: Fordham University Press. p. 184.

اشباع شده از خلاء» می‌نامد.^۱ سکوت تنها رد ممکن است که نمی‌تواند در شعر نامیده شود یا در زبان گفته شود. پس «بلور تنفس» می‌تواند، بلور مرگ باشد، نشانه‌ای از آخرین دم گرفتن.^۲ سلان بخش مهمی از فهم را در گرو اجازه نفس کشیدن «او» در شعر می‌داند. وی در پاسخ نامه‌ای به رنه شار^۳ می‌نویسد: «کار شما به ادراک من راهی ندارد. یا دست‌کم هنوز گشوده نشده است، با این حال من با احترام و انتظار پاسخ داده‌ام: هیچ‌کسی نمی‌تواند ادعا کند که همه چیز را می‌فهمد، این بی‌احترامی به امر ناشناخته است که در شاعر یا در شعر وجود دارد. یعنی فراموش کنیم که شعر نفس است، فراموش کنیم که او در شعر نفس می‌کشد».^۴

اما سکوت سلان می‌تواند از منظر شاهدان آشویتس وحشتناک باشد. تنودور آدورنو می‌گوید: «اشعار سلان می‌خواهند با مسکوت گذاشتن، منتهای وحشت و ترس را ابراز کنند».^۵ اما زبان سلان از رویداد آشویتس تقلید نمی‌کند، بلکه «از زبانی در زیر زبان مستأصل هستی انسانی تقلید می‌کند».^۶ آدورنو می‌پذیرد که گفتن اینکه کسی نباید پس از آشویتس شعر بنویسد، بی‌اساس بوده است، زیرا «پیوسته اندوه و غم حق دارند که شکنجه‌ها را فریاد بزنند».^۷ و با وجود اشعار سلان است که گزاره «شعر نوشتن پس از آشویتس بربریت است» را به «تنها پس از آشویتس می‌توان شعرهایی درباره آشویتس نوشت» تغییر می‌دهد.^۸

1. Franke, W. (2014). Ibid.

2. Salminen, A. (2014). Ibid.

3. Rene Char (1907-1988)

4. Celan, P. (2000). Die Goll-Affäre: Dokumente zu einer Infamie. Ed. Barbara Wiedemann. Frankfurt: Suhrkamp. p. 575-576.

5. Adorno, T. W. (1970). Ästhetische Theorie Ed. Gretel Adorno and Rolf Tiedemann. Frankfurt: Suhrkamp Verlag. p. 322.

6. Adorno, T. W. (1970). Ibid.

7. Adorno, T. W. (2003). Negative Dialektik, Gesammelte Schriften 6: Frankfurt am Main: Suhrkamp. p. 355.

8. Pöggeler, O. (1998). Lyrik als Sprache unserer Zeit? Paul Celans Gedichtbände: Springer-Verlag. p. 8.